

برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام: حاکمیت توحید و اخلاق

سید داود روحانی سراجی * مقصود امین خندقی **
سید جواد قندیلی *** محمدعلی رضایی کرمانی نسب پور ***
دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

چکیده

برنامه درسی اجرا شده، مجموعه اقدامات و فعالیت‌های فرایند یاددهی - یادگیری است که بین مربی و متربی در محیط واقعی تربیتی به اجرا درمی‌آید. الگوگیری از شیوه‌های عملی امامان علیهم السلام در تعلیم و تربیت، به ویژه امام صادق علیه السلام در نقش سردمدار تربیت اسلامی ایدئال، برای رسیدن به برنامه درسی توحید محور و مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی ضرورت دارد. این پژوهش با استفاده از سه روش پژوهش تاریخی، تبیین گزاره‌ها و معکوس سازی، با بررسی جوامع حدیثی و سایر منابع تکمیلی و همچنین شرح، تبیین و تفسیر آن احادیث در زندگی امام جعفر صادق علیه السلام و دیدگاه‌های تربیتی ایشان به طور عام و برنامه درسی اجرا شده ایشان به طور خاص را استخراج و آنها را از دو منظر تحلیلی و ترکیبی تبیین کرده است. از نگاه تحلیلی، ۱۶ مقوله در قالب عناصر چهارگانه هدف، محتوی، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی در برنامه درسی اجرا شده امام صادق علیه السلام، نظیر جانشین سازی شاگردان مستعد در هدایت کلاس درس، ایجاد زمینه تحقیق و تفحص، اهمیت آزاداندیشی در تعلیم و تربیت، نظام ارزشیابی از شاگردان و جایگاه معلم و... شناسایی شده است. در نگاه ترکیبی، حاکمیت توحید و اخلاق در سراسر برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام تبیین شده است. الزامات حرکت نظام آموزشی به سمت الگوگیری از برنامه درسی اجرا شده امام صادق علیه السلام در پایان مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی اجرا شده؛ نظام تربیتی؛ امام صادق علیه السلام؛ توحید محور؛ اخلاق محور؛ برنامه درسی

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

* کارشناس ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد da.rohani@gmail.com
** نویسنده مسئول: دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد aminkhandaghi@um.ac.ir
*** دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد ghandili@um.ac.ir
*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد rezai1385@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

توجه به سیره عملی و استفاده مؤثر از الگوهای پیشینیان در تعلیم و تربیت اسلامی به طور عام و در برنامه‌درسی به طور خاص اهمیت بسیار زیادی دارد. امام صادق علیه‌السلام در نقش معلمی دلسوز، با تربیت بیش از چهار هزار شاگرد (مظفر، ۱۳۶۷: ۱۲۴؛ رفیعی، ۱۳۷۴: ۲۸؛ پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۱ الف: ۴۳۱) در رشته‌های مختلف علمی نظیر: حدیث، فقه و فقهات، تفسیر، کلام، علم امامت و توحید، اخلاق و عرفان، طب و... (هاشمی و رمضان‌پور، ۱۳۹۳: ۶۳)، الگوی بسیار مطلوبی برای بهره‌گیری محققان تعلیم و تربیت در جوامع اسلامی برای شناخت نحوه تعاملات و برخوردهای آن حضرت با فراگیران و دانش‌پژوهان و رویکرد ایشان به تعلیم و تربیت و استفاده از آنها برای برنامه‌های آموزشی امروز است.

براساس دیدگاه آیزنر^۱، برنامه‌درسی مجموعه‌ای از حوادث و رویدادهای^۲ طراحی شده است که به دنبال نتایج و پیامدهای تربیتی^۳ خاص برای فراگیران است (آیزنر، ۱۹۹۴: ۳۱). برنامه‌درسی به عنوان قلب و مرکز نظام تعلیم و تربیت در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، نقش و کارکرد بسیار مهمی در انتقال، اصلاح و بسط و توسعه ارزش‌ها ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های تعلیم و تربیت در جوامع، امنیت و پاسداری از فرهنگ و آیین و دین خاص آن جامعه در مقابل فرهنگ‌ها و تعین‌های دینی دیگر بوده است (مرزوقی، ۱۳۸۸: ۴۴). در نظام تعلیم و تربیت اسلامی هم تربیت، فرایندی فرهنگی و ابزاری برای تحکیم تعین فرهنگی و دینی است. هدف برنامه‌درسی نیز از دیدگاه اسلامی کمک به رشد هماهنگ ابعاد معنوی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی، جسمانی فرد فراگیر و سوق دادن او به سوی خداست و مواد درسی باید ناظر بر همه مهارت‌ها، شناخت‌ها و گرایش‌هایی باشد که هر فرد مسلمان برای زندگی دنیوی و اخروی و مواجهه با مسائل و رویدادهای مختلف زندگی به آنها نیاز دارد (ملکی، ۱۳۸۹: ۳۳).

البته در این میان، باید بین دو نوع برنامه درسی قصدشده و اجراشده تمایز قائل شد. برنامه‌درسی اجراشده، مجموعه اقدامات و فعالیت‌های فرایند یاددهی - یادگیری است که بین مربی و متربی در محیط واقعی تربیتی (رسمی یا غیررسمی) به اجرا درمی‌آید. از این رو، گاه تصویری که از

-
1. Eisner
 2. Events
 3. Educational Consequences

برنامه درسی اجرا شده به دست می آید، با تصویری که از برنامه درسی قصد شده وجود دارد، همخوانی کاملی وجود ندارد؛ چه شرایط خاص و واقعی محیط تعلیم و تربیت ممکن است معلم را از انجام آنچه مطلوب می پندارد، بازدارد (مهرمحمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۶).

در این پژوهش برای نائل شدن به برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام، روایات و گزارش هایی که در راستای تعاملات آن حضرت در موقعیت های مختلف تربیتی، اعم از خطابه، نصیحت، تدریس خصوصی و جمعی با اصحاب و شاگردان خاص و عام و حتی مخالفان ایشان برقرار شده است، مورد شناسایی و بررسی دقیق قرار گرفته اند تا آنچه امام صادق علیه السلام به طور عملی اجرا و شاگردان و عامه مردم را بدان شیوه تربیت می نمودند، تبیین شود. برای تحقق این امر، با استفاده از جوامع حدیثی و سایر منابع تکمیلی و تحلیل آنها با استفاده از نظرات، بیانات و گزارش های دانشمندان و وارستگان عرصه علوم و حدیث، به شناسایی آنچه امام صادق علیه السلام به طور عملی در این باب اجرا نموده اند، پرداخته شده است.

بررسی های انجام شده در پایگاه های اطلاعاتی مختلف نشان می دهد، اغلب تحقیقات انجام شده ناظر بر ابعاد کلی اخلاقی - تربیتی امام صادق علیه السلام بوده است. برای مثال، شهابی (۱۳۶۲) در پژوهشی به بررسی تعلیم و تربیت در مکتب امام صادق علیه السلام پرداخته است. دهقانی احمدآباد (۱۳۸۴) هدف از تحقیق خود را ارائه تصویری از فرد تربیت یافته از منظر امام صادق علیه السلام اعلام کرده است. شریفی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به نقش امام صادق علیه السلام در بعد علمی تمدن اسلامی پرداخته است. محمدنیا (۱۳۹۱) سیره اخلاقی و سیاسی امام صادق علیه السلام را مورد بررسی قرار داده است. شمس الدینی (۱۳۹۲) وجهه همت خود را بررسی مبانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق قرار داده است و مهوش منصف (۱۳۹۲) مواضع امام صادق در برخورد با متکلمان اهل سنت و جماعت را مورد تتبع قرار داده است.

اما تاکنون پژوهشی به صورت مشخص و روشمند به برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام نپرداخته است. برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام را می توان از دو حیث نظری و عملی مهم تلقی کرد. از حیث نظری، تلاش جهت شناخت و توصیف وجوه تربیتی زندگانی ائمه علیهم السلام و پیشینیان عرصه تعلیم و تربیت می تواند در رفع چالش های نظری پیش روی نظام تعلیم و تربیت مفید واقع شود. در این راستا، پژوهش های فراوانی لازم است تا متفکران تعلیم و تربیت اسلامی بیش از این در مبانی، دیدگاه ها و آرای اندیشمندان غربی گرفتار

نیایند و بتوانند با استفاده از نظریه‌ای مستخرج از طریق چنین پژوهش‌هایی به‌نوعی تحول اساسی در جهت‌گیری، فنون و تکنیک‌ها و روح حاکم بر نظام تربیتی دست یابند. از حیث حیات عملی نیز پیاده‌سازی نظریات و دیدگاه‌های تربیتی معصومین علیهم‌السلام می‌تواند اولاً سرمنشأ بروز عمل تربیتی مطمئن و با کم‌ترین معضلات عقیدتی - فکری و با بیشترین سازگاری دینی - فرهنگی شود و ثانیاً محرکی برای حرکت به سمت نظام تعلیم و تربیت ایدئال اسلامی فراهم آورد. همچنین منش، گفتار و رفتار معصومین علیهم‌السلام نیز می‌تواند الگوی ارزشمندی برای استفاده محققان جهت پژوهش در راستای رفع مشکلات امروز نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی کشور و حتی دیگر کشورهای اسلامی باشد. البته این مهم نیز مستلزم پژوهش‌های گسترده است.

در این تحقیق تلاش شده است تا با بررسی منابع مختلف و جوامع حدیثی و سایر کتب تاریخی و همچنین شرح و تبیین و تفسیر آن احادیث در زندگی پرفیض امام جعفر صادق علیه‌السلام و دیدگاه‌های تربیتی ایشان، برنامه‌درسی اجرا شده آن حضرت از دو منظر تحلیلی و ترکیبی بررسی شود. از منظر تحلیلی، اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آنها که امام صادق علیه‌السلام در عمل به‌کار بسته‌اند، شناسایی شده است و از منظر ترکیبی نیز از قبیل بررسی روابط میان عناصر اساسی برنامه‌درسی اجرا شده، تصویری کل‌گرایانه و غایی از برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام عرضه شده است.

روش پژوهش

بخش عمده‌ای از یافته‌ها در پژوهش جاری براساس روش پژوهش تاریخی انجام گرفته است. براین اساس، پس از تعریف مسئله، منابع لازم برای داده‌های تاریخی، جستجو و تهیه و این منابع تاریخی، تلخیص و ارزیابی شده است. در این پژوهش از جوامع حدیثی استفاده شده است که می‌توان به کتب شاخص شیعی از جمله: بحارالانوار علامه مجلسی، اصول کافی شیخ کلینی و الوافی فیض کاشانی اشاره نمود. همچنین از جمله سایر منابع تکمیلی می‌توان به آداب تعلیم و تربیت در اسلام تحریری از منیه‌المیرید فی الآداب‌المفید و المستفید، تعلیم و تربیت در اسلام، میزان‌الحکمه، الخصائص الصادقیه علیه‌السلام، تحف‌العقول عن آل الرسول، امام صادق علیه‌السلام و مذاهب اربعه و گزارش‌ها و تبیین‌های موثق احادیث اشاره کرد. در جدول ۱ به برخی از این منابع و منابع مهم

دیگر به همراه میزان استفاده محقق از آنها براساس میزان ارتباط مطالب درون آنها با برنامه‌درسی اجرا شده امام صادق علیه‌السلام اشاره شده است.

جدول ۱. منابع مورداستفاده در پژوهش براساس میزان استفاده از آنها

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف	تعداد کل صفحه	تعداد روایات و گزارش‌های مورداستفاده
۱	امام صادق علیه‌السلام و مذاهب اهل سنت	حیدر، اسد	۸ جلد در ۲۹۷۹ صفحه	۴
۲	پیشوای صادق	خامنه‌ای، علی	۱۱۰	۲
۳	زندگانی امام صادق جعفر بن محمد	شهیدی، سید جعفر	۱۳۶	۵
۴	ویژگی‌های امام صادق علیه‌السلام	فدوی اردستانی، حامد	۳۸۴	۱۴
۵	صادق آل محمد (ص)	منشی، محمود	۳۷۶	۳
۶	وافی	فیض کاشانی	۶۲۰ صفحه جزء اول	۱۳
۷	بحارالانوار	مجلسی، محمدباقر	جزء ۷۰ در ۴۲۰ صفحه	۶
۸	اصول کافی	کلینی، محمد بن یعقوب	۶ جلد در ۴۶۴۹ صفحه	۲۹
۹	شیوه مناظرات انبیا و امام صادق	حسینی میرصفی، سیده فاطمه	۲۹۲	۱۶
۱۰	اصحاب امام صادق علیه‌السلام	محدث‌زاده، علی	۳۰۴	۱۸
۱۱	صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق(ع)	مظفر، محمدحسین	۴۸۸	۹
۱۲	توحید مفضل	مجلسی، محمدباقر	۱۸۶	۴
۱۳	آداب تعلیم و تربیت در اسلام	حجتی، سیده محمدباقر	۵۰۱	۴
۱۴	ترجمه جلد ۱۱ بحارالانوار	ترجمه موسی خسروی	۳۵۰	۱۷
۱۵	میزان الحکمه	ری شهری، محمد	۳۹۷	۱۲
۱۶	مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق	پاکتچی، احمد و دیگران	۶۰۰	۲۱

پس از انتخاب هر حدیث و روایت از این منابع، منبع آن مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید متخصص علوم و حدیث، آن حدیث در پیوند با مفاهیم برنامه‌درسی استنباط و تحلیل شد. در این راستا، به عنوان نمونه کتب اربعه شیعه (الکافی، اثر کلینی (متوفی ۳۲۹ ق)؛ من لا یحضره الفقیه، اثر شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق)؛ تهذیب الاحکام و الاستبصار - دو اثر از شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) - به طور مستقیم استفاده شد یا با واسطه که دیگران گزارش‌هایی براساس متن این کتب نوشته‌اند.

روش دوم، روش تبیین گزاره است. این روش جهت تبیین و روشن ساختن رابطه میان دو یا چند شاخصه در یک گزاره دینی به کار رفته است. در هر گزاره شاخص یا شاخص‌هایی وجود داشتند که برای فهم دقیق و کامل حدیث، نیاز به تبیین و توضیح رابطه میان آنها بود (پسندیده، ۱۳۹۰: ۹۵). برای این منظور، پس از تعیین شاخص باید ویژگی‌های هر شاخصه را شناخت. شناخت شاخصه به ما کمک کرد که چگونگی رابطه میان آن شاخصه‌ها را در حدیث تشخیص دهیم. حدیثی که در آن شاخصه یا ویژگی مرتبط با برنامه‌درسی وجود دارد، جستجو شد و در نهایت، نوبت به جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها رسید تا وجه یا وجوه تبیین به‌دست آیند و سپس چگونگی ارتباط توضیح داده شود (پسندیده، ۱۳۹۰: ۹۴ - ۹۸).

سومین روش مورد استفاده، روش معکوس‌سازی نام دارد. در این روش، تلاش شد تا از یک نقطه تأثیرگذار، یا یک کلمه کلیدی و مرتبط با موضوع تحقیق که در حدیث وجود دارد حرکت را آغاز و با دقت تمام و با پرسش‌های منظم و حساب‌شده به لایه‌های عمیق‌تر نفوذ کرد و بنیان‌های علمی حدیث را به‌دست آورد. لازم به ذکر است که مقوله‌های ۱ تا ۱۲ براساس روش پژوهش تاریخی، مقوله‌های ۱۳ تا ۱۵ براساس روش تبیین گزاره و مقوله ۱۶ طبق روش معکوس‌سازی استخراج شدند.

مبانی نظری

الف) برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام: نگاه تحلیلی

براساس نگاه تحلیلی، با بررسی منابع مختلف، ۱۶ مقوله در برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام مشخص شد که در ادامه، هر یک از آنها به اختصار توضیح داده شده است.

۱. صبر و متانت معلم و رعایت خصال نیکو در برابر پرسشگران: شاگردان در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام از همه اقوام و مذاهب بوده‌اند؛ بنابراین، بدیهی است که آنان دارای اختلافات گسترده‌ای باشند. در میان کلاس‌های درسی امام صادق علیه‌السلام، بیشتر دو دسته از شاگردان حضور محسوس از نظر روایات دارند: اول شاگردانی که با راه و منش حضرت مخالف بودند، ولی در کلاس‌های درسی ایشان حاضر می‌شده‌اند؛ نظیر ابوحنیفه، مالک بن انس و یا مخالفان سرسخت‌تر

و جدی‌تری نظیر ابن ابی‌العوجاء که اساساً کافر بوده است. امام صادق علیه‌السلام مخالفان خود را نیز محروم از این حقوق نمی‌دانستند و نه تنها آنان را از دریای بیکران علم و منش خویش سیراب می‌نمودند، بلکه با توجه به سؤالاتشان و ارائه پاسخ‌های معنادار و جهت‌دار به آنان مسیری بی‌انتهای در مقابلشان می‌گشودند. اینکه چرا آن حضرت در برابر سؤال پرسشگران دارای صبر و متانت بود، می‌توان به تعریف ایشان از علم نیز متصف نمود. بی‌شک جهت‌گیری علم، یعنی درحقیقت جهت‌گیری عالم و این امر اوصاف و خصلت‌هایی را طلب می‌کند که از آن جمله خشیت و خداترسی است. امام می‌فرماید: «الخشیه میراث العلم و من حرم الخشیه لا یكون عالماً» (مجلسی، ج ۲: ۵۲). درواقع نگاه به توحید و باور عمیق به آن، منشأ و مصدر تمام فعالیت‌های کلاس درس امام صادق علیه‌السلام بوده است. امام صادق علیه‌السلام زمانی که با پرسش پرسشگری مخالف روبه‌رو می‌شدند و حتی اگر می‌دانستند شاید پاسخشان در وی اثری نکند، بازهم با کمال متانت و ادب و صبر، پاسخ وی را می‌دادند. شاید بدین جهت که اولاً حضرت تلاش می‌نمودند از طریق اخلاق نیکو قبل از بیان پاسخ بر وی اثرگذارند و ثانیاً پاسخ را دریچه‌ای برای تفکر این فرد قرار می‌دادند تا ضمن انجام دستور اخلاقی حسن خلق، مثالی از فرامین دین مبین اسلام را به‌نمایش بگذارند و بر دل مخالفان پرتو افکنند. حضرت، گفتگوی علمی میان بندگان خدا را از عوامل زنده‌ساختن دل‌های مرده می‌داند؛ البته در صورتی که فرجام آن رسیدن به امر خدا باشد (پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۱ ب: ۴۳۹). امام صادق علیه‌السلام، علم‌آموزی را برای همگان ارزشمند معرفی می‌نماید و لذا سؤال کردن را کلید دانستن بیان می‌کنند و پرهیز از آن را مایه هلاکت می‌دانند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۱۳). این برخورد متین به حدی است که حتی ابن ابی‌العوجا نیز امام علیه‌السلام را مردی حلیم، باوقار، عاقل، محکم و ثابت می‌خواند و چنین می‌گوید: «جعفر صادق از جای خود به در نرود و وقار از دست ندهد و از مدار وفق و مدارا بیرون نشود و غضب او را سبک ننماید» (قمی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

دسته دوم شاگردان، یاران و تابعین آن حضرت بوده‌اند. امام صادق علیه‌السلام علاوه بر اینکه به همه سؤالات یاران پاسخ می‌دادند، در بحث‌های طولانی نیز با صبر و متانت به مباحث مطرح‌شده از جانب آنان گوش می‌دادند و با اتخاذ شیوه‌های مختلف، طرف مقابل را مجاب می‌کردند. در بحارالانوار چنین روایت شده است که: روزی در جلسات درس ایشان غلامی سؤالی را پرسید و حضرت تلاش نمود تا جواب را به او بفهماند، اما غلام از فهم عاجز ماند و چندبار درخواست

تکرار و توضیح نمود. اباعبدالله با صبر و متانت مثال‌زدنی چندبار مطلب را برای وی توضیح می‌دهد تا درنهایت وی متوجه مسئله می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: الجزء ۱۱: ۲۸۹). همچنین روایت است که امام صادق علیه‌السلام درجایی به چندین سؤال شهاب‌بن عبدالله پاسخ کامل دادند، بدون اینکه از تعدد سؤالات وی ناراحت شوند (مجلسی، ۱۳۷۷: ۵۴). همین گشاده‌رویی و وقار امام صادق علیه‌السلام بود که عرصه سؤال‌پرسیدن را روی همه شاگردان، اعم از مخالفان و شاگردان، باز می‌گذاشت (فیض کاشانی، الوافی، الجزء الاول: ۱۸۸).

۲. جانشین‌سازی شاگردان مستعد در کلاس درس: امام صادق علیه‌السلام در کلاس‌های درس خویش گاهی به‌جای اینکه خود تدریس کنند می‌نشستند و یکی از شاگردان به فراخور استعداد و توانمندی علمی که داشت و با نظر مستقیم حضرت انتخاب می‌شد، کار تدریس در کلاس و یا مناظره با دیگران را در برابر امام صادق علیه‌السلام برعهده می‌گرفت. امام علیه‌السلام شاگردان را تشویق و ایشان را به این امر ترغیب می‌کردند. براین اساس به دو مضمون در این ارتباط اشاره شده است.

در مضمون اول به ذکر روایت‌هایی در رابطه با جانشین‌سازی شاگردان در تدریس و روایات متناسب با آن موضوع مورد تحلیل و استنباط قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، حضرت همواره شایستگی علمی شاگردان خویش را در جلسات به حاضران گوشزد می‌نمودند و ایشان را مرجع پاسخگویی به سؤالات دیگران قرار می‌دادند (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۰ - ۱۶۱). هشام‌بن سالم می‌گوید: «ما با عده‌ای از اصحاب در محضر حضرت صادق علیه‌السلام بودیم که مردی از اهل شام وارد شد... عرض کرد به ما خبر رسیده که شما عالم و دانایید؛ اینک آمده‌ام تا با شما بحث و مناظره نمایم. فرمود در چه موضوعی می‌خواهی بحث کنی؟ عرض کرد: در بحث قرآن وارد شویم. حضرت صادق علیه‌السلام او را به حرمان راهنمایی کرد. شامی عرض کرد: من می‌خواهم با شما بحث کنم نه حرمان. حضرت فرمود: اگر بر حرمان غالب شوی، بر من غلبه کرده‌ای و اگر مغلوب حرمان گشتی، مغلوب منی. مرد شامی با حرمان بحث کرد و بحث آن‌قدر طول کشید که ملول و خسته شد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: چگونه یافتی حرمان را؟ گفت: او را حاذق و استاد دیدم و از هرچه پرسیدم مرا پاسخ داد. حضرت رو به حرمان نمود و گفت: تو نیز از شامی سؤال کن. سپس مرد شامی عرض کرد: می‌خواهم با شما در علم عربیت وارد بحث شوم. حضرت او را به ابان بن تغلب راهنمایی کرد» (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۴).

در مضمون دوم عکس‌العمل حضرت در برابر برخی از این جانشینان تدریس مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، امام صادق علیه‌السلام شاگردان خویش را به مناظره و پاسخ به پرسش‌های دیگران تشویق می‌نمودند و سپس اگر خود در آن جمع حضور نداشتند، نتیجه را از ایشان جستجو می‌کردند. امام صادق علیه‌السلام به هشام بن حکم که تازه جوانی بود و در محضر آن بزرگوار نشسته بود، فرمود: ای هشام مباحثه خود را با عمرو بن عبید برای من نقل کن. هشام گفت: ابهت و عظمت شما مانع این می‌شود که بتوانم در حضور شما سخن بگویم و شرم دارم از اینکه آن را بازگو کنم. امام فرمودند: هرگاه به شما امر کردم، انجام دهید. هشام نیز تمام ماجرای مباحثات خود را با آن مرد برای حضرت بازگو نمود. وقتی سخن تمام کرد، امام صادق علیه‌السلام خنده‌ای کرد و فرمود: این طریق مباحثه و سخن گفتن را از چه کسی یاد گرفته‌ای؟ هشام گفت: از شما سرورم. امام صادق علیه‌السلام به وی خطاب کرد: خدا تو را بیامرزد. عجب خوب گفتی (فدوی اردستانی، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

۳. ایجاد باور به الهی بودن علم و مآخذ آن: امام صادق علیه‌السلام در روایت‌های بسیاری به این نکته تأکید داشتند که علم را نمی‌توان تنها از راه تحصیل و علم‌آموزی فراگرفت. حضرت صادق علیه‌السلام علم را نتیجه تحصیل و تعلم نمی‌دانند؛ بلکه آن را نوری از جانب خداوند متعال در قلب‌های تهذیب‌شده می‌دانند. لذا ابتدای امر و قبل از جستن علم باید نفس و درون را تهذیب نمود و حقیقت عبودیت را بر آن چشاند (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۹۱). روایت شده است شخصی به محضر امام صادق علیه‌السلام رسید و در مقابل ایشان نشست... حضرت فرمود: کنیه شما چیست؟ گفت: ابوعبدالله. فرمود: این کنیه را خدا برای تو ثابت کند و توفیق رفیقت سازد. ... گوش کن ابوعبدالله! علم متاعی نیست که در نتیجه تعلیم و تحصیل به دست آید. «انما هو نور فی قلب من یرید الله تبارک و تعالی ان یهدیه»: بلکه علم نوری است که پروردگار متعال در قلب‌های تهذیب‌شده برمی‌افروزد و در پرتو همان نور به راه راست هدایتش می‌کند. شما که علم را می‌جوئید خوب است در نفس خود حقیقت عبودیت را بیابید و بعد علم را به خاطر عمل فراگیرید و رموز دانش را از خدا بخواهید تا بر شما بازش گذارد (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۹۰ - ۲۹۱). چون آن حضرت مصدر علم را الهی و نوری از انوار خالق حکیم معرفی می‌کنند، لذا تابش آن نور بر قلب را یادگیری واقعی می‌نامند که البته مقدماتی بر این امر لازم است؛ از جمله تأدیب و تهذیب نفس قبل از تعلیم هر علم. امام علیه‌السلام چون معتقد بودند علم در ضمیر پاک قرار می‌گیرد و افراد باید به تربیت

نفس همت گمارند، عملاً شاگردان را قبل از تعلیم، تربیت نموده و با ارائه نصایح و پندها قصد داشتند تا ضمیر شاگردان را روشن کنند. ایشان علم را برای انسان‌های ناپاک متصور می‌دانستند، اما نه به صورت کامل و نه مایه نجات بخشی.

۴. ایجاد روحیه کاوش و برانگیختگی علمی شاگردان (برجسته کردن اهمیت پرسشگری): در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام درهای پرسش باز و امکان پرسشگری میسر بود. خود حضرت به عنوان معلم بزرگ این نظام همواره سؤال پرسیدن را مایه نجات و رستگاری و نبود آن را سبب هلاکت می‌دانند. مرحوم کلینی، در کافی، از طریق حماد، نقل کرده است که امام صادق علیه‌السلام به حرمان در مورد سؤالی که کرده بود، فرمود: همانا مردم هلاک می‌شوند؛ زیرا که نمی‌پرسند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۱). این مهم لازمه حکمت و فراگیری علم است؛ چرا که آن حضرت در پاسخ به عمران بصری در خصوص حکمت علم می‌فرمایند: سؤال پرسیدن بسیار مهم است و شاگرد نباید از آن خجالت بکشد (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۹۳). براین اساس ذیل این مقوله به دو مضمون اشاره شده است که اول تأکید حضرت بر پرسشگری را تبیین می‌نماید و دوم فضای کلاس‌های درسی حضرت را که دارای امکان پرسشگری بوده است و واکنش و عکس‌العمل‌هایی را که حضرت در برابر پرسشگران نشان می‌دادند، مطرح می‌کند. معلم باید دانش‌آموز را در جریان کلاسی به نحوی تشویق کند تا وی جرأت پرسیدن پیدا کند (حسینی میرصفی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). از صالح بن أسود نقل است که امام صادق به وی فرموده: قبل از اینکه مرا از دست بدهید، سؤال کنید (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۲۵). با توجه به نکات گفته شده ذیل این مضمون و مضمون قبلی به نظر می‌رسد معلم نقشی اساسی در تغییر راهبرد کلاس درس از فضای یک طرفه به فضای تعاملی و دو یا چند نفره دارد. از طریق پرسش و پاسخ طبیعتاً جریان کلاسی از بالا به پایین نخواهد بود؛ یعنی اینکه معلم تنها سخنگو و دانش‌آموز تنها پذیرنده و شنونده منفعل نخواهد بود. گاهی سؤالی از معلم به سمت دانش‌آموز و گاهی سؤالی از دانش‌آموزان به سمت معلم مطرح می‌شود. البته این امر مزایای گسترده‌ای دارد که در مکاتب امروزی تعلیم و تربیت دائماً مطرح است. امام صادق علیه‌السلام سؤال کردن را غنیمتی می‌دانند که اگر از آن غفلت شود، عواقب جبران‌ناپذیری به جای خواهد گذاشت که نادانی یکی از آنهاست.

۵. ایجاد زمینه تحقیق و تفحص: در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام تحقیق و تفحص جایگاه رفیعی داشته است. در واقع در مقام اجرای برنامه‌های درسی، حضرت پاسخی را که شاگردان بدون

تحقیق و تفحص بیان می نمودند، اصلاً نمی پذیرفتند و برای آنان ارزش و اعتباری قائل نبودند. کشی از بشرین طرخان روایت کرده که گفت: هنگامی که امام صادق علیه السلام به حیره وارد شد، به محضرش شرفیاب شدم. از شغلم پرسید. گفتم: فروشنده حیوانات. فرمود: قاطری برایم خریداری کن که سفید باشد، اما سفید تند نباشد و زیر شکمش هم سفید باشد. گفتم: با این خصوصیات قاطری ندیده ام. فرمود: چگونه این طور سریع پاسخ می دهی؛ حال آنکه باید قبل از آن از دیگران جستجو کنی و فرمودند: هست. برو و پیدا کن. از حضورش مرخص شدم و تصادفاً به غلامی برخوردم که بر قاطری سوار بود، با همان خصوصیتی که حضرت فرموده بود. از قیمت قاطر سؤال کردم. مرا به مولایش راهنمایی کرد. نزد مولای غلام رفتم و از جا برنخاستم تا اینکه معامله را کامل کردم و برای امام صادق علیه السلام خریداری نمودم و قاطر را محضر امام بردم. فرمود: درست همان صفاتی که می خواستم، در این جمع است. آنگاه برای من دعا کردند و فرمودند: دیگر بدون جستجو جواب کسی را مده (محدث زاده، ۱۳۷۳: ۹۶). آن حضرت به شاگردان خویش همواره تأکید داشتند قبل از بیان هر مطلب یا نتیجه گیری در مورد آن خوب تفکر کنند و آنگاه براساس تفکر و اندیشه سخن بگویند. امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند: به این سپهر به خورشیدش و ماهش و ستارگانش و بروجش خوب فکر کن که دور می زند بر عالم و این دوران همیشگی است (فدوی اردستانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

۶. ایجاد زمینه عمل به علم (لزوم پیاده سازی محتوا در عمل): اگر علم قابلیت کاربست و اجرا چه در مقام عمل و چه در جایگاه اندیشه را نداشته باشد، از نظر امام صادق جایی برای طرح در نظام برنامه های درسی ندارد. اولاً تأکید بر عمل نمودن علم مطرح است و ثانیاً این عمل راهی برای یادگیری و اندیشه ورزی معرفی شده است و ثالثاً روش تدریس و تفکر امام علیه السلام در مورد تدریس براساس عمل معلم مطرح شده است. امام صادق علیه السلام اصحاب و راویان خود را از جدایی بین قول و عمل و عقیده و سلوک بر حذر می داشت و آنان را نصیحت می کرد که مردم را با رفتارشان آموزش دهید نه با مواعظ و ارشادات (حسینی میرصفی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). حضرت امام صادق علیه السلام هر چه می خواستند به دیگران بیاموزند، با عمل می آموختند و بر هیچ معرفی امری نمی کردند، جز آنکه خود پیش تر به آن عمل می کردند. از منظر امام صادق علیه السلام عالم واقعی کسی است که علمش همراه عمل باشد و هر کس کردارش سخنش را تصدیق نکند، عالم نخواهد بود. امام علیه السلام خطاب به شاگردی در مورد بی تأثیر بودن علم بدون عمل می فرمایند: «پند و

اندرز عالمی که به علم خود عمل نمی‌کند، از دل‌ها می‌لغزد؛ همچون باران که از روی سنگ صاف می‌لغزد» (آل رضا، ۱۳۹۳: ۷۰ - ۷۱).

امام صادق علیه‌السلام معتقد بودند عمل نمودن به علم سبب یادگیری بهتر آن علم می‌شود. حضرت علیه‌السلام در پاسخ به نامه عبدالله بن سلیمان نوفلی، عمل به علم را راهی برای یادگیری بهتر آن علم بیان می‌دارد (حیدر اسد، ۱۳۹۲، ج ۲: ۸۱). امام صادق علیه‌السلام همچنین خطاب به یاران خویش فرموده‌اند: «هرکس کردارش با گفتارش یکی باشد و آنچه را می‌گوید عمل کند، رستگار گردد و حقیقت علم را دریابد و هرکس چنین نباشد علمی عاریتی در اختیار دارد» (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۶۳). امام صادق علیه‌السلام خطاب به فردی که از ایشان پرسیده بود: «آموختن علم الهی افضل است یا عمل به گفته عالمان علم الهی، به اهمیت علم آموزی برای خدا و ارزش عمل به علم الهی تأکید فرموده‌اند و ملازمت این دو را سبب تقویت ایمان و تعمیق آموخته‌ها دانسته‌اند (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱: ۲۹۰).

۷. نحوه پاسخ‌دهی به سؤالات فراگیران: امام صادق علیه‌السلام در برابر پرسش‌های متفاوت هیچ‌گاه به یک نوع عمل نمی‌کردند. نوع پاسخگویی امام صادق علیه‌السلام در نتیجه امکان پرسشگری در این نظام تربیتی متفاوت بود. گاهی لازم است پاسخ به سؤالات شاگردان به صورت موجز و مختصر ارائه شود. امام علیه‌السلام بلاغت را در بیان پاسخ، موجب کوتاه‌شدن آن هم‌زمان با تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان می‌دانند. ایشان خطاب به پسر نعمان می‌فرمایند: بلاغت و زبان‌آوری به تیزی زبان و بیهوده‌گویی نیست؛ بلکه به رساندن معنای موردنظر در بیان صریح و مختصر به شاگردان است (ابن شعبه، ۱۳۹۲: ۵۵۹). امام صادق علیه‌السلام این‌گونه پاسخ را در وقت مقتضی نشان‌دهنده وقار و شأن معلم می‌دانند (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۶). امام صادق علیه‌السلام گاه در پاسخ به سؤال افرادی که در مبانی اعتقادی با ایشان همسویی نداشتند، از تفصیل پاسخ استفاده می‌کردند (فدوی اردستانی، ۱۳۸۶: ۲۶۴). امام صادق علیه‌السلام درازای سؤالاتی که از افراد مختلف می‌شنیدند، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دادند. برای نمونه، منصور بن حازم می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: مرا چیست که از شما مسئله‌ای پرسم و به من جوابی دهید و دیگری نزد شما می‌آید و همان مسئله را پرسد و جواب دیگری به وی می‌دهید؟ فرمود ما به مردم به ملاحظه بیش و کم جواب می‌دهیم (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۹۱). به عبارت دیگر، حضرت نسبت به کسانی که مناسب و در شأن اسلامی سؤال می‌پرسیدند و یا پاسخ سؤالات حضرت را می‌دادند،

اکرام و لطف بیشتری عنایت می فرمودند (ارفع، ۱۳۸۲: ۲۶). حتی امام علیه السلام در پاسخ دادن به دیگران از لحن های متفاوت استفاده و با هر کس به گونه ای متفاوت مناظره می کردند (مظفر، ۱۳۶۷: ۱۸۹).

۸. حجیت و اهمیت اقامه برهان و استدلال در فرایند تعلیم و تربیت: برهان و استدلال به عنوان یکی از مهم ترین ارکان در برنامه های درسی اجرا شده امام صادق علیه السلام مشهود است. تأکید حضرت بر این امر تا حدی زیاد است که تمام فعالیت ها در کلاس و خارج از آن را دربرمی گیرد. هیچ عمل و هیچ اندیشه ای در این نظام تربیتی بدون پشتوانه عقلی و استدلال محکم پذیرفتنی نیست. از این رو، دانش آموختگان نظام تربیتی امام صادق علیه السلام، براساس توصیه های دائم آن حضرت استدلال و برهان عقلی را سرلوحه کار خویش قرار می دادند (پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۱ ب: ۴۴۳). حضرت در توصیه به ابن جنبد می فرمایند: در مورد هر کاری از ابتدا توقف و فکر کن تا اینکه دخول و خروج از آن را کاملاً بشناسی (امینی: ۱۳۷۹: ۵۳) براساس این روایت، تعقل لازمه حرکت علمی شاگردان است. آنچه شاگردان باید سرلوحه خود قرار دهند و آنچه معلمان باید بدانند و درنهایت، لزوم ایجاد فضای استدلال و تفکر در نظام برنامه های درسی آن حضرت جایگاهی ویژه داشت.

۹. ملزومات نظام آموزشی و یادگیری در مدرسه جعفری: نظام آموزشی در مدرسه عظیم جعفری دارای ضوابط و قوانینی منطقی و مستدل بوده است. این نظام آموزشی دربرگیرنده نظارت بر کلاس های درسی و فعالیت های انجام شده در آن، روش هایی که معلمان باید در کلاس های درسی به کار برند، اولویت های نظام آموزشی، تأکید بر همیاری و استفاده از آموزش گروهی در برنامه های درسی، نقش عنصر نیت در یادگیری و آموزش، رد عقل گرایی محض و نفی حجیت بخشی به حواس پنج گانه در یادگیری و آموزش و انتخاب منابع برنامه درسی می باشد. دانش حقیقی در مدرسه جعفری دارای جهت گیری آسمانی و الهی است. از این رو، اعتبار و ارزش آن به عنصر نیت پیوند می خورد که هم آموزگار و هم شاگردان این مکتب الهی از آن برخوردارند و خویشتن را از هر انگیزه حیوانی، مادی و خودخواهانه و ارهانده اند و این است سر عظمت دانش و دانشمند که ملکوتی است (پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۱ الف: ۴۳۸). در نظام تربیتی آن حضرت توصیه به شاگردان این بود که دانش را نباید برای تسلط بر مردم فراگرفت و در راه کسب علم باید مخلص بود و از صفای وجود، با نیت الهی و خیرخواهانه در جستجوی علم بود (ابوزهره، ۱۳۹۰،

ترجمه طباطبایی: ۱۳۳). آنچه یادگیری در این نظام تربیتی را ارزشمند می‌کند، خلوص نیت یادگیرنده و معلم است که در راه خدا و برای کمک به مردم و بازکردن گره از کارشان و درنهایت برای جمع‌آوری توشه‌ای برای آخرت به دنبال تحصیل علم و معرفت برمی‌آیند (حجتی، ۱۳۷۴: ۱۳۴ - ۱۳۵). امام صادق علیه‌السلام به نیت طالبان علم توجه زیادی می‌نمود و باطمینان و وقار به استدلالات افراد گوش می‌داد و با درایت و توان بالای علمی و معنوی خویش عصاره اخلاق و اعتقاد فرد را در لابه‌لای سؤالش متوجه می‌شد و تلاش می‌کرد تا عصاره الهی بودن علم را به وی بچشانند (عابدی، ۱۳۸۲: ۴۲).

۱۰. ایجاد آزاداندیشی در تعلیم و تربیت (ارزش‌گذاری بر مقوله نقد): هر کس دارای وجودی منحصر به فرد است. اینکه همه باید یک‌طور بیندیشند و به یک طریق سخن گویند، امری منطقی نیست. امام صادق علیه‌السلام با وجود شاگردان متعدد که حتی برخی از آنان زندیق بوده‌اند، باز هم امکان آزاداندیشی و بیان دیدگاه‌های مختلف را در لابه‌لای تدریس در کلاس‌های درس ایجاد می‌کردند؛ بنابراین، این مقوله در قالب دو مضمون بررسی شده است. در اولین مضمون معلم و اهمیت جایگاه وی در رابطه با نقد و ارزش‌گذاری بر آزاداندیشی، و در مضمون دوم لزوم ایجاد بستر آزاداندیشی در برنامه‌های درسی و نظامات آموزشی مطرح شده‌اند. محضر درس امام صادق علیه‌السلام، یک جلسه بحث آزاد بود که در آن شاگرد می‌توانست به استاد ایراد بگیرد و اگر بتواند، نظریه‌اش را رد کند. امام صادق علیه‌السلام نظریه‌اش را به شاگردان تحمیل نمی‌کرد و آنان را در پذیرش نظریه استاد آزاد می‌گذاشت. آنچه سبب می‌شد شاگردان امام، نظریه ایشان را بپذیرند، تأثیر درس استاد بود. آزادگذاشتن شاگردان در اندیشه و تعمق نسبت به مسائل، بدون اجبار و تحمیل می‌تواند در یادگیری بسیار اثرگذار باشد. در این صورت شاگردان احساس نوعی مالکیت بر فرایند یادگیری خویش پیدا می‌کردند و این باعث می‌شد نسبت به یادگیری بهتر، سعی بیشتری کنند (حسینی میرصفی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

۱۱. نظام ارزشیابی از شاگردان: این مقوله ناظر بر ارزشیابی‌هایی است که امام صادق علیه‌السلام از شاگردان خویش به عمل می‌آوردند. در این راستا، مجموعه مضمون‌های مشترک که همه درباره نحوه و شکل انجام ارزشیابی در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام می‌باشند، با یکدیگر در جهت ایجاد یک تصویر کل‌گرایانه از نظام ارزشیابی تلفیق و در قالب یک نظام معنایی ارائه شد. از داده‌های به‌دست‌آمده یک چهارچوب تحلیلی استنباط شده است. بر این اساس، امام علیه‌السلام در

تدریس دو وقت شاگردان را ارزیابی می نمودند: اول در پایان درس یا پایان مناظره و دوم حین تدریس و لابه لای بیان نکات درسی در کلاس درس. در میان تعاملات درسی حضرت با شاگردان برخی از ایشان در مقابل حضرت علیه السلام قرار می گرفتند و از ایشان درخواست می نمودند تا به آنان گوش فرا دهد و شاگردان نیز دانسته ها و آموخته های خود را دقیق مطرح می کردند و در انتظار بازخورد از جانب امام علیه السلام می ماندند. امام علیه السلام نیز با شنیدن گفته های آنان، آن گفته ها را رد یا تأیید می نمودند (محدث زاده، ۱۳۷۳: ۱۴۶ - ۱۴۷). گاهی نیز امام علیه السلام در خلال جریان یادگیری و در ضمن فرایند یاددهی - یادگیری، از شاگردان سؤال می کردند تا از اینکه شاگردان به فهم رسیده اند یا خیر، مطمئن شوند. در روایتی آمده است، همینکه حضرت در توضیح مطالب احساس می نمودند شاگردان مطالب را به راحتی در نمی یابند، بازمی گشتند و مفاهیم را دوباره بیان می نمودند. حضرت علیه السلام در خلال درس از شاگردان می پرسیدند: آیا فهمیدید؟ ایشان تنها زمانی درس را ادامه می دادند که از شاگردان پاسخ مثبت بشنوند (ارفع، ۱۳۸۲: ۳۴).

۱۲. جایگاه اساسی معلم در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام: معلم، رکن اساسی در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام است. آنچه این نظام از معلم انتظار دارد، بیشتر آراسته شدن معلم به منش و شخصیتی متعالی و آنگاه تسلط بر علمی است که تدریس می کند. امام صادق علیه السلام، معلم عامل به علم خود هستند و علم الهی را ارزشمند می دانند و تنها پس از تأیید آن حضرت است که کسی به کسوت معلمی در این نظام درمی آید. این کار گزینشی همه جانبه و تأیید صلاحیت کسی است که می خواهد به انسان ها درس بیاموزد و آنان را به رشد و کمال برساند. بنابراین، دو ویژگی از معلم در نظام تربیتی امام علیه السلام مدنظر قرار گرفته است؛ اول منش و ویژگی های شخصیتی معلم و دوم ویژگی های علمی و مدیریتی وی.

با مطالعه روایات در خصوص جایگاه اساسی معلم درمی یابیم که گویی معلم قبل از اینکه تدریس نماید، باید تهذیب انجام دهد. تهذیب خود در مقام اول و آراستن شاگردان به فضایل اخلاقی در مقام دوم، آن هم قبل از تدریس از ملزومات برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام می باشد. الزامات اخلاقی و شخصیتی معلمان، از مفهوم و هدف دانش در مدرسه جعفری منشأ می گرفت و امام علیه السلام خود می آموخت که علم برای خدایی شدن است. عالم آلوده دامن و در بند هوا، رهزن این مسیر است و نه راهنما و دستگیر (عابدی، ۱۳۸۲: ۴۴۰). امام علیه السلام با آغوش باز و روی گشاده بساط تدریس و دانش و دین را گسترانید و هر که از تشنگان

علم و معرفت را که به سوی ایشان می آمد، با شخصیتی ممتاز و علمی سرشار سیراب می کردند. ایشان به مثابه یک معلم پرحوصله با تمام شاگردان متعدد خویش که دارای تفاوت های بسیار گسترده بودند، به نرمی مدارا می نمود و هیچ گاه کسی از ایشان تندی ندید (خامنه ای، ۱۳۶۱: ۵ - ۶). آنچه شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام را به محضر درس او می کشانید، قوت کلام استاد و ایمان او به آنچه می گفت بود و چون ایشان به آنچه می گفت ایمان داشت، گفته اش در همه شاگردان مؤثر واقع می شد (منصوری، ۱۳۵۶: ۱۴۱). امام صادق علیه السلام همیشه به شاگردان توصیه می نمودند تا به ضوابط شرعی و انسانی در امور علی رغم عدم انجام آن توسط دیگران پای بند باشند و علم را بیاموزند تا این ویژگی های مهم را در خود بیشتر رشد دهند (پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۱ ب: ۱۰۳). از منظر امام صادق علیه السلام، شخصیت و جذبه معلم در جذب و جلب توجه فراگیر بسیار مهم است و در این صورت، شاگرد به بهترین وجه یاد می گیرد. برای نمونه، روزی حضرت صادق علیه السلام در جریان تدریس خطاب به بویزید فرمودند: از طاقچه کتاب را بده. بویزید عرض کرد: یابن رسول الله، طاقچه کجاست؟ حضرت فرمود: بالای سرت. تو چندین سال است که در خانه ما هستی، هنوز طاقچه اتاق را ندیده ای؟ بویزید عرض کرد: هنگام آموختن مطالب به من، جذبه و نورانیت و شخصیت شما مرا از همه چیز غافل کرده است. من تمام توجهم به گفته های شماست و بیان و منش شما با گفته هایتان درهم می آمیزد و مرا با تمام وجود به گفته هایتان مشغول می سازد؛ طوری که از بیرون غافلم (محدث زاده، ۱۳۷۳: ۷۴). امام صادق علیه السلام وقار و متانت خاصی داشتند. این وقار و متانت حین تدریس مطالب نیز نمود بیشتری می یافت. اگر کسی مقابل ایشان لجاجت می نمود، چون امام را آرام می دید، سکوت می کرد. حضرت در برابر شاگردان فروتنی می کند تا جایی که زیرانداز خویش را برمی دارد و زیر آنان می گذارد (أبوزهره، ۱۳۹۰، ترجمه طباطبایی: ۱۲۵).

امام صادق علیه السلام در مخاطب شناسی، بسیار دقیق و در برخورد با افراد مختلف بسیار حساس بودند. همین رفتار باعث می شد ایشان بتوانند جو کلاس ها را با وجود مخالفان و افراد مختلف آرام و به دوراز تشنج اداره نمایند (حسینی میرصفی، ۱۳۸۷: ۱۷۲). در واقع، معلم درعین داشتن اشراف به مسائل حوزه تخصصی خود باید به سایر دیدگاه ها نیز اشراف داشته باشد. در کلاس حضرت با آن همه تکثر و تنوع نژادی و مذهبی، بارها روایت شده است که امام علیه السلام یک مطلب را از منظر چندین دیدگاه مطرح می نمودند و آنگاه دیدگاه اسلامی را در آخر تشریح

می‌کردند تا از این طریق ضعف منطقی و استدلالی سایر دیدگاه‌های غلط را نمایان سازند و همچنین شاگردان را با دیدگاه‌های درست از سایر مذاهب و دانشمندان نیز آشنا سازند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۶۴). گاهی نیز پیش می‌آید که معلم‌ها در کلاس پاسخ پرسشی را ندانند. در این صورت، نباید دروغ گفته و بی‌اطلاعی خود را کتمان کنند؛ بلکه باید با حفظ شأن و جایگاه خود بگویند: خدا می‌داند. آنگاه با رجعت به مطالعه و تلاش در جلسات بعد پاسخ سؤال را بیابند. امام علیه‌السلام در این تعامل با شاگردان این را که بعضاً معلم بگوید «نمی‌دانم» را با عبارت «خدا می‌داند» معاوضه نموده‌اند (فیض کاشانی، الوافی، الجزء الاول: ۱۹۲).

۱۳. شناسایی اندیشه‌های روزآمد در تعلیم و تربیت و تأکید بر علم نافع: امام صادق علیه‌السلام همواره ظهور و بروز اندیشه‌های جدید را مدنظر قرار داده و از بیان محتوای ثابت و تکراری پرهیز می‌نمودند. لذا در برنامه‌های درسی امام صادق علیه‌السلام هر دانش و هر درسی مطرح نمی‌شد؛ بلکه علمی که به کار می‌آمدند و منفعت انسان و جمع بشر را تضمین می‌نمودند (علم نافع)، در برنامه‌های درسی ایشان قرار می‌گرفت. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال فردی که از حضرت طلب آموختن چیزی کرده بود، می‌فرمایند: «آنچه به کارت نیاید، مگو و بسیاری از گفتار را که به کارت می‌آید، واگذار تا آنکه جای گفتن آن را بیابی» (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

۱۴. استفاده از بیان انگیزشی و محبت‌آمیز در نظام یادگیری: در مدرسه جعفری همه نوع شاگرد بوده است. امام علیه‌السلام به عنوان معلم این نظام، تکریم همه ایشان را در دستور کار قرار دادند و به احدی اجازه تعرض به دیگری را نمی‌دادند. گاهی حضرت شاگردان خویش را دعا می‌نمودند و به بیان خود شاگردان، این دعا کردن چنان انگیزه‌ای وصف‌ناشدنی برای یادگیری به آنان می‌داد. گاهی نیز امام علیه‌السلام با نزدیک کردن شاگردان به خود و برقراری روابط کریمانه و محبت‌آمیز بر آنان تأثیر می‌گذاشتند. امام بسیاری از افراد را از این طریق هدایت نموده و یا حداقل در صف شاگردان خود نگاه می‌داشتند. همه مطالب فوق در قالب سه مضمون تشریح شده است: اول تکریم شاگردان توسط معلم، دوم دعانمودن و ایجاد انگیزه برای شاگردان و سوم عطف و محبت معلم نسبت به شاگردان.

درباب تکریم شاگردان، روایت شده است که به خاطر موقعیت علمی أبان بن تغلب، هرگاه که وی به خدمت امام صادق علیه‌السلام می‌رسید، آن حضرت دستور می‌داد برای او متکابی می‌آوردند تا تکیه کند و با او دست می‌داد و وی را در آغوش می‌گرفت و حال او را می‌پرسید و

به او خوشامد می‌گفت و او را احترام می‌کرد (فدوی اردستانی، ۱۳۸۶: ۲۲۴). این‌گونه اکرام نمودن شاگردان تأثیر شگرفی بر همراهی و اعتلای همه‌جانبه آنان داشت. همچنین امام از شاگردان خود توصیفی نیکو داشتند و به ایمان و اخلاص بسیاری از آنان اعتقاد داشتند. از شاگردان ایشان درودبن‌کنیر کوفی است که امام علیه‌السلام درباره او فرموده‌اند: هر کس می‌خواهد به مردی از یاران قائم بنگرد، به او نظر اندازد (آل رضا: ۱۳۹۳: ۶۹). این از روش‌های کارآمد امام علیه‌السلام بوده است که در تربیت شاگردان از تکریم و احترام به شخصیت ایشان استفاده می‌کردند (قدوی اردستانی، ۱۳۸۶: ۶۸).

در خصوص دعا کردن و ایجاد انگیزه برای شاگردان، آن حضرت برای شاگردان خویش دعا می‌کردند. به‌عنوان مثال، ایشان در پایان جلسه‌ای پس از صحبت‌ها و استدلال‌ات هشام‌بن‌حکم برای وی چنین دعا کردند: «نَفَعَكَ اللهُ بِهِ وَ تَبَّتْكَ». هشام می‌گوید: والله من از روزی که این کلام را از آن امام استماع نمودم، هیچ احدی را در علم توحید، بر من زیادتی به قهر و توفیق نبود (حسینی میرصفی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). امام بزرگوار شاگردان خویش را اکرام و برای ایشان دعای خیر می‌نمودند. بسیاری از همین شاگردان همین دعاها را حضرت در حقشان را نقطه آغازین رشد همه‌جانبه خویش معرفی می‌کنند (ارفع: ۱۳۸۲: ۴۲).

همچنین، آن حضرت نسبت به شاگردان خویش بسیار عطف و محبت داشت. ابن‌ثمالی می‌گوید: پدرم گفت روزی در قبرستان بقیع بودم که امام جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام مرا نزد خود احضار فرمودند. وقتی نزدشان رفتم، امام فرمودند: من وقتی تو را می‌بینم احساس آرامش می‌کنم (هاشمی و رمضان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۳۸). ابو حمزه گوید: همراه امام علیه‌السلام در سفری بودم. وقتی به مجلسی رسیدیم و بارها را فروافکنیدیم، امام اندکی راه رفتند، سپس بازگشتند، دستم را گرفتند و سخت فشردند. عرض کردم: آیا من با شما در محمل نبودم؟ امام علیه‌السلام فرمودند: آیا نمی‌دانی وقتی مؤمن دست برادرش را بگیرد، خداوند با خشنودی به آنان می‌نگرد و این نگاه رضایت الهی همچنان ادامه می‌یابد؟ در آن حال خداوند خطاب به گناهان آنها می‌فرماید: از آن دو فروریزید. در پی دستور خداوند، گناهان آنها فرومی‌ریزد چون افتادن برگ از درخت (مظفر: ۱۳۶۷، ۱۳۵).

۱۵. استعدادپروری و رعایت تفاوت‌های فردی شاگردان: رعایت تفاوت‌های فردی در

جای‌جای برنامه‌درسی اجرا شده امام صادق علیه‌السلام مشهود می‌باشد. امام صادق علیه‌السلام در

نظام تربیتی خود هر یک از شاگردان را که دارای توان و استعداد خاصی بودند، در همان جهت تربیت و استعدادهای بالقوه ایشان را بالفعل می‌کردند. آن حضرت همه‌چیز را به همه‌کس نمی‌گفتند؛ بلکه تلاش می‌کردند کسانی را که دارای ظرفیت‌های خوبی بودند، در یک رشته متخصص بار آورند و همان‌طور که گفته شد، اگر در جمعی حتی کسی از امام علیه‌السلام سؤال می‌کرد، ایشان سؤال‌کننده را به شاگردی ارجاع می‌دادند که در همان بحث مهارت و علم داشت (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۴؛ هاشمی و رمضان‌پور، ۱۳۹۳: ۷۵). از این‌رو، امام قائل به تفاوت میان انسان‌ها بوده‌اند و به همین اعتبار از اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی‌های متعدد برای شاگردان استفاده می‌کردند. همچنین امام صادق علیه‌السلام به هر شاگرد در راستای تخصص وی، تکلیف می‌نمود و همان تخصص ملاک ارزیابی او نیز بود. امام علیه‌السلام هر کس را با توجه به ظرفیت و توانمندی وی مورد خطابه و تدریس قرار می‌داد (محدث‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۴).

۱۶. بیان اهمیت پرورش قبل از آموزش: در نظام تربیت حضرت علیه‌السلام، ادب همراه علم در نظر گرفته شده است و شاگردان باید خود را به زینت آن دو مزین سازند. امام صادق علیه‌السلام همیشه پیشاپیش تدریس و تعلیم خود، شاگردان را پند و موعظه می‌نمودند. عمر بن ابی مقدم می‌گوید: نخستین بار که حضور امام صادق علیه‌السلام رسیدم، فرمودند: ای عمر! پیش از فراگیری حدیث و تحصیل، راستی و درستی بیاموز (آل رضا، ۱۳۹۳: ۶۳). امام صادق علیه‌السلام قبل از تدریس به تربیت می‌پرداختند. این ملازمت تأکیدی است بر جایگاه پرورش و پاسخی است به کسانی که دنبال نسبت اهمیت آموزش با پرورش می‌باشند. در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام، پرورش حتی قبل از آموزش مطرح است. همان‌طور که قبلاً ذیل مقوله‌های مطرح‌شده اشاره شد، هدف در این نظام تربیتی، تأثیرگذاری بر تمام ساحت‌های وجودی شاگردان است. بدیهی است آموزش صرف، اصلاً قادر نیست جز در حد دانش بر شاگردان تأثیر گذارد، اما با حضور پرورش و اهمیت بیشتر آن در این نظام تربیتی به‌خوبی می‌توان تأثیر لازم را بر شاگردان گذاشت. پرورش و اعتلای اخلاقی و معنوی شاگردان، هدف اساسی مدرسه جعفری بوده است (مظفر، ۱۳۶۷: ۱۵۴).

در جدول ۲ به‌خلاصه مقوله‌ها و مضامین برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق

علیه‌السلام اشاره شده است.

جدول ۲. خلاصه مقوله‌ها و مضامین آنها در برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۱	صبر و متانت معلم و رعایت خصال نیکو در برابر پرسشگران	در برابر پرسشگران مخالف: اهمیت صبر در برخورد با مخالفان در پرسش‌ها و پاسخ‌ها در جریان کلاس صبر هنگام شنیدن سؤالات و استدلالات پرسشگران مخالف در برابر یاران و شاگردان: صبر و متانت در شنیدن سؤالات و استدلالات شاگردان و یاران در کلاس درس نرمی و محبت معلم با زبردستان و بزرگواری در هنگام خطاهای آنان وقار، بردباری و متانت لازم و تواضع و فروتنی معلم
۲	جانشین‌سازی شاگردان مستعد در کلاس درس	پاسخگو قرار دادن شاگردان در برابر سؤالات دیگران در کلاس تشویق شاگردان به پاسخ‌دهی به دیگران در جریان فرآیند یاددهی - یادگیری
۳	ایجاد باور به الهی بودن علم و مآخذ آن	شهود و درک باطنی دروس در پرتو نور الهی تعریف علم و نورانیت آن از منظر امام صادق علیه‌السلام
۴	ایجاد روحیه کاوش و پرسشگری در شاگردان	تأکید بر پرسشگری در فرایند تعلیم و تربیت تشویق معلم به ایجاد زمینه و فضای پرسشگری در کلاس
۵	ایجاد زمینه تحقیق و تفحص	تحقیق و بررسی قبل از انجام هر کار ایجاد زمینه تفکر و استنباط قبل از بیان هر مطلب
۶	ایجاد زمینه عمل به علم (لزوم پیاده‌سازی محتوا در عمل)	ایجاد زمینه عمل براساس علم آموخته‌شده (کاربردی کردن محتوا) عمل به علم، راهی برای یادگیری آموزش براساس عمل کردن به گفته‌های خود
۷	نحوه پاسخ‌دهی به سؤالات شاگردان	پاسخ‌های کوتاه و خلاصه، حسب ضرورت پاسخ‌های مفصل و طولانی، حسب ضرورت پاسخ‌های چندگانه و چندبعدی، در صورت نیاز
۸	حجیت و اهمیت اقامه برهان و استدلال در فرایند تعلیم و تربیت	بهره‌گیری شاگردان از استدلال و برهان عقلی بهره‌گیری معلمان از استدلال و برهان عقلی فراهم آوردن فرصت تعقل و استدلال در جریان یادگیری
۹	ملزومات نظام آموزشی و یادگیری در مدرسه جعفری	مذمت مشاجره و جدل در فعالیت‌های کلاسی و یادگیری استفاده از تمثیل در محتوای آموزشی تعیین اولویت‌های نظام آموزشی مشورت و آموزش جمعی کتابت و یادداشت‌برداری در بهبود یادگیری و آموزش رد عقل‌گرایی محض و پرهیز از حجیت‌بخشی به حواس پنج‌گانه در یادگیری و آموزش نقش عنصر نیت در یادگیری و آموزش

ادامه جدول ۲. خلاصه مقوله‌ها و مضامین آنها در برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۱۰	ایجاد آزاداندیشی در تعلیم و تربیت	معلم و ارزش‌گذاری بر نقد لزوم ایجاد بستر آزاداندیشی در تعلیم و تربیت
۱۱	نظام ارزشیابی از شاگردان	ارزشیابی در پایان تدریس ارزشیابی حین تدریس
۱۲	جایگاه معلم در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام	شخصیت معلم و ویژگی‌های اخلاقی وی جایگاه علمی و مدیریتی معلم
۱۳	شناسایی اندیشه‌های روزآمد در تعلیم و تربیت و تأکید بر علم نافع	بیان سخن مفید در کلاس درس آموختن علم نافع در نظام تعلیم و تربیت و رصد اندیشه‌های روزآمد صحت نفس در آموختن علوم نافع توسط هر شاگرد توجه به شرایط و مقتضیات زمان در فرآیند تعلیم و تربیت
۱۴	استفاده از بیان انگیزشی در نظام یادگیری	تکریم شاگردان توسط معلم دعا نمودن و ایجاد انگیزه برای شاگردان عطوفت و محبت معلم نسبت به شاگردان
۱۵	استعدادپروری و رعایت تفاوت‌های فردی شاگردان	تخصص‌پروری براساس استعداد شاگردان: رعایت تفاوت‌های فردی (اصل مخاطب‌سنجی در تعلیم و تربیت)
۱۶	بیان اهمیت پرورش قبل از آموزش	اولویت‌دادن به تهذیب نفس و اخلاق‌ورزی قبل از آموزش

ب) برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام: نگاه ترکیبی
هدف نگاه ترکیبی، ترسیم روابط میان ویژگی‌های یادشده در نگاه تحلیلی از طریق نشان‌دادن روح کلی و فراگیر حاکم بر تمامی عناصر برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام است. در واقع، در نگاه کل‌گرایانه ویژگی یا خصیصه‌ای تمامی عناصر و مؤلفه‌ها را به هم پیوند می‌زند. در تمام برنامه‌درسی اجراشده امام صادق علیه‌السلام یک روح حاکم سیطره دارد و آن «حاکمیت توحید و اخلاق» است و آن را می‌توان با مراجعه در یکایک مؤلفه‌ها و عناصر برنامه‌درسی اجراشده جستجو و ردیابی کرد. حاکمیت مطلق خدااباوری در روح و ذهن شاگردان حضرت چنان جاری بوده است که هر چیز را تنها از دریچه آن می‌دیدند. اگر هر کس از آنان قصد انجام کاری داشت، به یاد توصیه‌ها و منش استاد راستین خود افتاده و سعی می‌کرد همان منش و

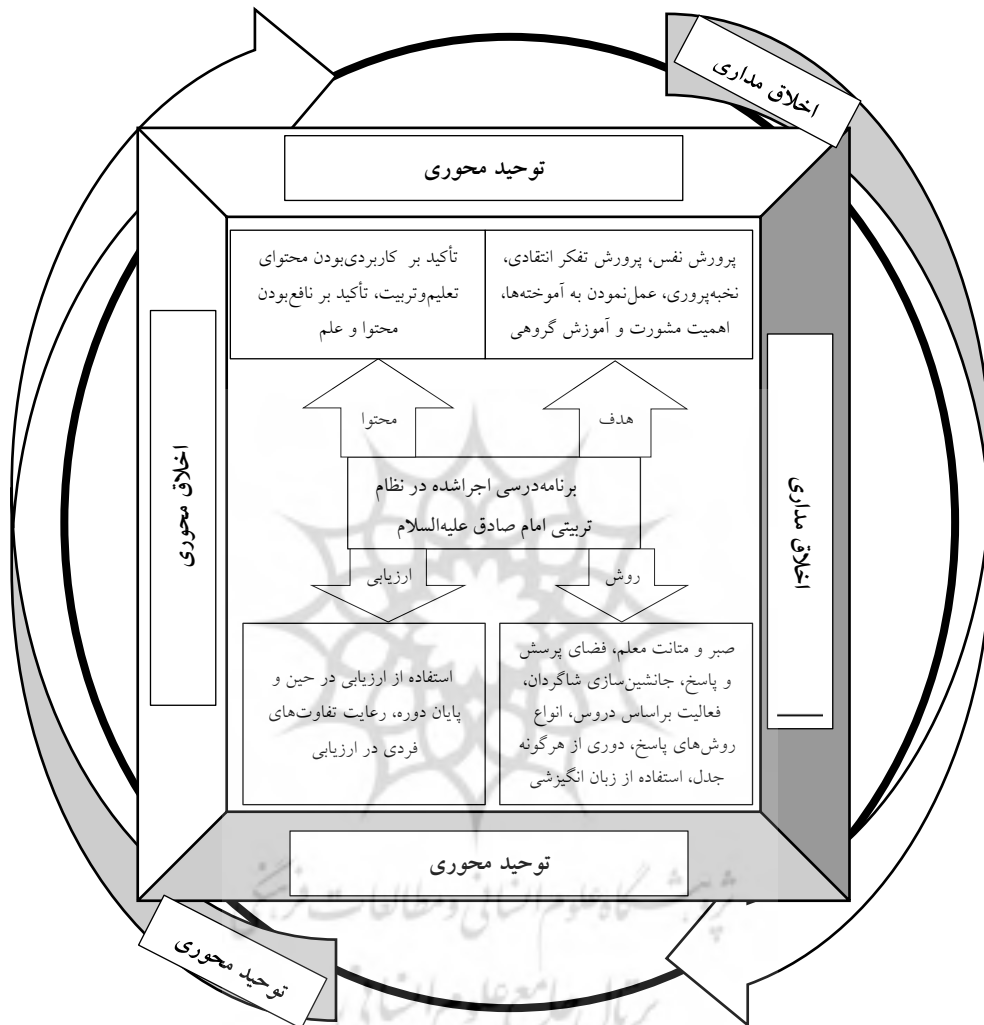
مرام را در گفتار و رفتار خویش متجلی کند. پیش تر گفته شد امام صادق علیه السلام با تمام وجود و حوصله فراوان سعی داشتند علم را لابه لای توحید به شاگردان عرضه دارند و همچنین هدف عمده آن حضرت، در علم آموزی به شاگردان شناخت بیشتر خداوند یکتا بوده است. امام علیه السلام در ابتدای هر پاسخ، سؤال کننده را به خدا و معارف آن رهنمون می ساختند و سپس از دریچه آن نگاه علم را به او می آموختند. به عنوان نمونه، حضرت از طریق همین رویکرد به دنبال رشد معنوی افراد در وهله اول و رشد علمی آنان در وهله دوم است (فدوی اردستانی، ۱۳۸۶: ۳۱۱).

این نکته که تهذیب نفس بر یادگیری دانش مقدم است، بیانگر همین مسئله اساسی است. تهذیب نفس یعنی پیراستن وجود از هر چه غیر خدایی است و آراستن جوهره نفس به خدا باوری و بالاترین درجات شناخت، یعنی خداشناسی. زمانی که امام صادق علیه السلام شاگردان را به نگاه به چهره عالم خداشناس تشویق می کردند، نوعی پیام رسانی به افکار عمومی و شاگردانشان در راستای اهمیت شناخت خالق و اتصاف به صفات او بوده است. اگر شاگردی خداشناس و اهل کمالات انسانی می بود، امام علیه السلام به نحو دیگری با او سخن می راند و با احترام و تکریم بیشتری با وی رفتار می کرد. در مقوله رفتارهای چند گانه حضرت با شاگردان و همچنین در مقوله استفاده از بیان انگیزشی در نظام یادگیری این مسئله تأیید می شود که ایشان عملاً جهت الهی و نگاه توحیدی به شاگردان و سپس به دروس داشته اند. حتی همان طور که در مقوله صبر و متانت معلم و رعایت خصلت نیکو در برابر پرسشگران و شاگردان مخالف خود مطرح شد، آن حضرت ضمن پاسخگویی به شاگرد کافر خود نظیر ابن ابی العوجاء، نگاهی به هدایت وی هم داشته اند و در پس پاسخ های حکیمانه خویش به وی روشنگری و هدایت گری را سرلوحه کار خود قرار می دادند.

در بحث اخلاق محوری، در حکم روح حاکم بر تعلیم و تربیت مدنظر امام صادق علیه السلام نیز هرگز هیچ فردی، اعم از شاگردان حضرت، چه مخالف ایشان، چه اصحاب و یارانشان و چه سایرین که در کلاس های درس و بحث ایشان شرکت نمی کردند، کوچک ترین نمود بد اخلاقی را در آن امام همام، مشاهده یا گزارش نکرده اند. امام علیه السلام آن قدر مزین به فضایل اخلاقی بوده اند که کاملاً دیگران تحت تأثیر قرار می گرفته اند. در مقوله ایجاد زمینه عمل به علم (لزوم پیاده سازی محتوا در عمل) مطرح شد که حضرت بارها به شاگردان توصیه می نمودند با عمل زیبا و گفتار حسنه خود دیگران را به علم و مذهب تشویق کنند تا رفتار و گفتارشان بهترین الگو برای

مردم باشد. حضرت در مواجهه با خطای شاگردان خود بسیار مهربان و لطیف بودند. ایشان با منطق و خوش‌رویی و مهربانی خطای افراد و شاگردان را متوجه آنان می‌گردانیدند (ارفع، ۱۳۸۲: ۲۸). این مؤید وجود و حضور اخلاق در لابه‌لای تعاملات آن حضرت با شاگردانشان در قالب برنامه‌درسی اجراشده ایشان هست. به‌عبارت دیگر، نرم‌خویی، ملاحظت با شاگردان، خوش‌زبانی و پرهیز از پرخاش، صبر و سعه‌صدر از جمله نمودهای اخلاق‌مداری در رفتار امام صادق علیه‌السلام می‌باشند. از این‌رو، توحید و اخلاق توأمان در برنامه‌درسی اجراشده امام صادق علیه‌السلام به‌مثابه نخ تسبیحی است که همه اجزا و ارکان برنامه‌درسی اجراشده آن حضرت را به هم متصل می‌کند و آنها را دربرمی‌گیرد؛ یعنی هیچ عملی انجام نمی‌شود و هیچ سخنی به‌میان نمی‌آید، مگر اینکه به اصل توحیدی برگردد و در راستای موازین اخلاقی باشد. شکل ۱ تصویری کل‌نگر از برنامه‌درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام براساس نگاه تحلیلی و ترکیبی فوق در چهار عنصر برنامه‌درسی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱. تصویر کل‌گرایانه از برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر در راستای تلاش‌های صورت گرفته جهت نظریه‌پردازی تربیتی، مبتنی بر معارف دینی از طریق توجه به الگوهای عملی گام برداشته است. لذا تلاش شد تا با استفاده از الگوهای عملی زندگی امام صادق علیه‌السلام و به‌ویژه تعاملات دوجانبه یا چندجانبه ایشان در موقعیت‌های

مختلف، به یک نظام مفهومی در رابطه با برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی ایشان دست یافت. این نظام منسجم هر چهار عنصر برنامه‌درسی (هدف، محتوا، روش و ارزشیابی) را به توازن و با ترکیبی اصیل و اسلامی در خود دارد. براساس نگاه تحلیلی، با بررسی منابع مختلف ۱۶ مقوله در برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام نظیر؛ صبر و متانت معلم و رعایت خصال نیکو در برابر پرسشگران، جانشین‌سازی شاگردان مستعد در کلاس درس، ایجاد باور به الهی‌بودن علم و مآخذ آن، حجیت و اهمیت اقامه برهان و استدلال در فرایند تعلیم و تربیت، ایجاد آزاداندیشی در تعلیم و تربیت و... مشخص و سپس یک تصویر کل‌گرایانه از برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام ارائه شد. تصویر کل‌گرایانه حاکی از آن است که در تمام برنامه‌درسی اجرا شده امام صادق علیه‌السلام یک روح حاکم سیطره دارد و آن «حاکمیت توحید و اخلاق» است و آن را می‌توان با مراجعه در یک‌کایک مؤلفه‌ها و عناصر برنامه‌درسی اجرا شده جستجو و ردیابی کرد.

به‌نظر می‌رسد در برنامه‌های درسی فعلی، چه در مقام نظریه و چه در مقام عمل و نظامات موجود، خلأ حاکمیت توحیدمحوری و اخلاق‌مداری آشکار است. برای ازبین‌بردن خلأ حاکمیت توحید و اخلاق در برنامه‌درسی کشور، از دو منظر باید تلاش کرد؛ وجه اول ناظر بر تحولات نظری می‌باشد. باید تلاش‌های ویژه‌ای در جهت نظریه‌پردازی و مفهوم‌پردازی بر مبنای منابع اسلامی در حوزه برنامه‌درسی صورت گیرد. این مهم مستلزم همت همه‌جانبه و تلاش فکورانه‌ای است که تلفیق رأی و اندیشه فرهیختگان عرصه تعلیم و تربیت را در پیوند با اندیشه‌های اسلامی در خصوص تعلیم و تربیت، با کمک و نظارت عالمان علوم و آشنایان به مبانی اسلامی طلب می‌کند؛ وجه دوم ناظر بر اهمیت جایگاه معلم در مبانی تعلیم و تربیت اسلامی در حوزه برنامه‌درسی به‌عنوان نقشی تحول‌آفرین است که می‌تواند توحیدمحوری و اخلاق‌مداری را با مبانی حوزه برنامه‌درسی به وجهی سازنده تلفیق و موجبات رشد و پیشرفت معنوی و علمی دانش‌آموزان را توأمان فراهم کند. تلاش برای بالابردن و اهمیت‌دادن به نقش و جایگاه تحول‌آفرین معلم براساس توضیحات گفته‌شده در خصوص ایجاد حاکمیت خداآواری و اخلاق‌مداری، امری انکارناپذیر و بسیار مهم است. درنهایت، برای برون‌رفت از چالش مطرح‌شده، بازگشت به مبانی اسلامی، به‌ویژه بیانات و رفتارهای امام صادق علیه‌السلام در قالب برنامه‌درسی اجرا شده ایشان در خصوص نقش و اهمیت جایگاه معلم و فراگیر در برنامه‌درسی به‌ویژه برنامه‌های درسی ناظر بر علوم و مباحث مکتبی و

اعتقادی راهگشاست.

برنامه‌درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام می‌تواند دریچه‌ای برای ورود به حوزه‌های مشابه و انجام تحقیقات گسترده در این خصوص شود. پس از پایان این پژوهش به‌نظر می‌رسد بهتر است در موارد ذیل پژوهش‌های مناسبی جهت شناخت بهتر برنامه‌درسی در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام صورت گیرند. شناخت برنامه‌درسی قصد شده می‌تواند تکمیل‌کننده بحث حاضر باشد، لذا شناسایی این حوزه و تحلیل آن در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام پیشنهاد می‌شود. تحلیل و تبیین دستاوردهای نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام در قالب برنامه‌درسی کسب شده و بررسی تمایز نگاه امام صادق علیه‌السلام در برنامه‌درسی اجرا شده به معلم با جایگاه معلم در برنامه‌های درسی موجود نیز برای تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آل رضا، آسیه (۱۳۹۳)، نگاهی بر نقش امام صادق علیه‌السلام در دانشگاه جعفری با تأکید بر گسترش مبانی خداشناسی، چاپ اول. زیر نظر اعظم رحمت‌آبادی، مشهد: نشر مهر طاهر.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۹۲)، تحف العقول عن آل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات آل علی علیه‌السلام.
- ابوزهره، محمد (۱۳۹۰)، امام جعفر صادق رضی الله عنه و دیدگاه‌های فقهی ایشان، ترجمه ناصر طباطبایی، چاپ اول، تهران: انتشارات احسان.
- ارفع، کاظم (۱۳۸۲)، سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام، حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام، چاپ دوم. تهران: نشر تربت.
- امام‌جمعه، محمدرضا؛ احمدی، غلامعلی و تیمورنیا، مهین (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی فعالیت‌های فوق برنامه دوره ابتدایی ایران با کشورهای امریکا، انگلستان و مالزی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۳ (۱): ۱۷ - ۶۵.
- امینی، ابراهیم، (۱۳۷۹)، اسلام و تعلیم و تربیت (۲)، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- پاکتچی، احمد و دیگران (۱۳۹۱ الف)، ابعاد و شخصیت و زندگی امام صادق علیه‌السلام، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- پاکتچی، احمد و دیگران (۱۳۹۱ ب)، مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق علیه‌السلام، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

- پسندیده، عباس (۱۳۹۰)، درآمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث، مجله علوم حدیث، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم: ۸۸ تا ۱۰۹.
- حجتی، سیدمحمدباقر، (۱۳۷۴)، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، تحریری جدید از منیه‌المیرید فی الآداب‌المفید و المستفید شهید ثانی، چاپ بیستم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۸)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱)، در آسمان معرفت، تذکره اوحدی از عالمان ربانی، گردآوری و تنظیم محمد بدیعی، چاپ ششم، قم: نشر تشیع.
- حسینی میرصفی، سیده‌فاطمه (۱۳۸۶)، شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق علیه‌السلام، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- حیدر، اسد (۱۳۹۲)، امام صادق علیه‌السلام و مذاهب اهل سنت، ترجمه سیدعلی‌رضا نقیب‌پور، جلد دوم، چاپ سوم، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- حیدر، اسد (۱۳۹۲)، امام صادق علیه‌السلام و مذاهب اهل سنت، ترجمه فریدالدین فرید عصر، جلد چهارم، چاپ سوم، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۱)، پیشوای صادق، تهران: انتشارات سیدجمال.
- دخیل‌فیاض، عبدالله (۱۳۸۸)، تاریخ تعلیم و تربیت شیعه امامیه از زمان امام صادق علیه‌السلام تا شیخ طوسی(ره)، ترجمه علی مطهوری، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- رفیعی، علی، (۱۳۷۴)، زندگانی امام صادق(ع)، تهران: انتشارات صریر قلم.
- سلسبیلی، نادر (۱۳۸۶)، گذر نظام برنامه درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه‌درسی با تأکید بر برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۴: ۴۹ تا ۶۸.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۷)، زندگانی امام صادق، جعفر بن محمد(ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عابدی، محمد (۱۳۸۲)، امام هدایت و تبلیغ در گفتار و رفتار امام صادق(ع)، فقه و اصول، مبلغان، شماره ۴۸.
- فدوی اردستانی، حامد (۱۳۸۶)، ویژگی‌های امام صادق(ع)، الخصائص الصادقیه، قم: انتشارات نسیم کوثر.
- قمی، عباس (۱۳۹۰)، منتهی الآمال، تصحیح موسوی دامغانی، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، شرح و ترجمه محمدباقر کمره‌ای، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسوه.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۳)، اصول کافی، شرح و ترجمه جواد مصطفوی، جلد اول، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.

- گال، مردیت و بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۹۱)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی و همکاران، جلد دوم، تهران: سمت.
- مؤمنی مهموئی، حسین؛ کرمی، مرتضی و مشهدی، علی (۱۳۸۹)، بررسی نقش عوامل کاهش‌دهنده فاصله بین برنامه‌درسی قصد شده، اجراشده و تجربه‌شده آموزش عالی، دوفصلنامه مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی، سال ۱، شماره ۲: ۹۰ - ۱۱۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷)، ترجمه جلد یازدهم بحارالانوار زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام. ترجمه موسی خسروی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الاسلامیه.
- محدث‌زاده، علی (۱۳۷۳)، اصحاب امام صادق علیه‌السلام، تهران: انتشارات کتابخانه مدرسه چهل‌ستون مسجد جامع تهران.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان‌الحکمه، جلد اول، چاپ پنجم، قم: دارالحدیث.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، پیش‌فرض‌های برنامه‌درسی تربیت دینی در عصر جهانی‌شدن: مبنایی نظری برای نظام آموزش و پرورش عمومی ایران، فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی، شماره ۱۵: ۴۳ - ۵۹.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۲). روش فهم حدیث، تهران: سمت.
- مظفر، محمدحسین (۱۳۶۷)، صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق (ع)، ترجمه و نگارش سیدابراهیم سیدعلوی، تهران: انتشارات رسالت قلم.
- مفضل‌بن عمر (۱۳۸۵)، توحید مفضل، ترجمه و شرح علامه محمدباقر مجلسی، چاپ اول، تهران: نشر آرام دل.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹)، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران: سمت.
- منشی، محمود (۱۳۴۷)، صادق آل محمد (ع)، تهران: انتشارات زمانه.
- منصوری، ذبیح‌الله (۱۳۵۶)، مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (ع)، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- مهرمحمدی، محمود و همکاران، (۱۳۹۰)، برنامه‌درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ویراست دوم، تهران: سمت.
- هاشمی، زهرا و پورمحمد رمضان (۱۳۹۳)، تأثیر شاگردان ممتاز امام صادق علیه‌السلام بر گسترش دانش مسلمانان، مشهد: نشر عالم‌افروز.
- کاشانی، فیض (۱۴۰۶ ق)، الوافی، الجزء الاول، مکتب الامام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام عامه، الطبعة الاولى.
- المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر الأخبار الائمه الاطهار، الجزء الحادی و السبعون، الطبعة الثالثة المصحفة، بیروت، دارالاحیاء الکثرات العربی.

